

(یادی از میهن)

امکانات انکشاف اقتصادی بدخشان

(اهداء به گرسنگان، تشنگان و پا برهنگان بدخشان)

سخنی با خواننده گرامی :

در یکی از روز های خزان ۲۰۰۸ بود که دوست ارجمند جناب داکتر صاحب هدایت از انگلستان زنگ زده و جویای احوال گردیدند. بعد از جور بخیری یاد آور شد که در سفر اخیرش به وطن سری به بدخشان زده و احوال زار مردمان آن سامان را از نزدیک مشاهده کرده است. او افزود که اوضاع اقتصادی و اجتماعی باشندگان بدخشان چنان زار است که آنها نه تنها گرسنگی، بلکه تشنگی هم می کشند و در تاریکی و در سرما می گذرانند و سال گذشته همدراجا عده ای از سردی و برخی دگر از گرسنگی به هلاکت رسیده اند. دوستم اضافه کرد که چون امکانات انکشاف اقتصادی در بدخشان موجود نیست، شاید برای اهالی آن خطه بهتر باشد که به سایر نقاط مملکت کوچ نمایند. آنگاه از اینجانب پرسید که در مورد افکار او نظرم را بگویم. بی درنگ به جوابش گفتم که کوچ کردن مصلحت نخواهد بود، زیرا از یک جانب اوضاع باقی نقاط کشور هم بهتر از بدخشان نیست و از جانب دیگر باید امکانات زندگی در اقصی نقاط مملکت مساعد گردد، تا هم میهنان ما در زادگاهشان زندگانی راحت تر و شرافتمندانه داشته باشند. گذشته از این درد مهاجرت حتی در درون کشور بسیار جانگداز است. پس چه بهتر که آن مظلومان در زادگاهشان باقی بمانند و زمینه انکشاف اقتصادی در همان جا ها فراهم آید. بخصوص که حب وطن، دیر یا زود هر کدام را به زادگاهش می کشاند، چنانکه وطنداران پشتون ما گویند که: "هر چا ته خپل وطن کشمیر دی!"

آنگاه دوستم پرسید چه نوع امکاناتی برای انکشاف اقتصادی بدخشان موجود است؟ نگارنده چند تای از این امکانات را شتابنده بر شمرد که هرکدام بر حکم آنکه "هر چه از دل خیزد، لاجرم بر دل نشیند" مورد توجه آن عزیز قرار گرفت. سر انجام از من خواهش کرد تا این ارزیابی ها را بنویسم، باشد مگر گوش شنوایی پیدا شود و ضجه و ناله مردم را بشنود و اقدامی کرده تهداب خیری را بگذارد به امید آنکه وضع اقتصادی مردم بهتر شود.

به تاسی از اوضاع رقتبار بدخشان که اینک در پایان خزان سال ۲۰۰۸ بیشتر از نیم نفوس آن را خطر هلاکت از گرسنگی و سرما تهدید می کند و بر اساس خواهش این دوست گرانمایه و به مصداق آنکه "از دوست یک اشاره از ما بسر دویدن" رساله حاضر را به رشته تحریر در آورده، امیدوارم که سرزمین زیبا و غنی بدخشان را اندکی معرفی کرده و یادی از گرسنگان، تشنگان و پا برهنگان آن سامان کرده باشم. بالخاصه که نگارنده در سال ۱۹۷۲ هنگامی که در پوهنتون کابل محصل بود، با دو دانشمند یکی از پوهنتون های جاپان سفر طولانی در بدخشان نموده و با بسا کنج و کنار آن دیار زیبا آشنایی دارد. بنا بر آن با ذکر نام آن سرزمین، یاد طبیعت زیبای بدخشان با باشندگان شریف آن زنده شده و عطر صد خاطره زیبای آن گوشه میهن در ذهن و ضمیرم شگفت. نویسنده این سطور که آورده و پرورده کابل زمین می باشد، هر گوشه و کنار کشور برایش کابل و چه بسا که زیبا تر از کابل است. بنا بر حق همین آشنایی با سرزمین پر رنگ بدخشان، سطور زیر را در رابطه با امکانات انکشاف اقتصادی آن ولایت می نویسم، به امید آنکه خدمتی به هموطنان ما در آن ولایت کرده باشم. اگر گرفتاریهای زندگانی اندکی مجال داد، بسیار آرزو دارم تا نوشته های دگری را در مورد سایر ولایات میهن نیز آماده کنم. از اینرو سلسله این رسالات را "یادی از میهن" نام می گذارم. با وجود آنکه باورم نمی آید که دولت دست نشانده اجنبی در افغانستان توجهی به حال زار مردم داشته باشد و به همچو پیشنهادها علاقه ای نشان دهد. ولی نباید مایوس شد، زیرا این دولت بیغماش و مزدور اجنبی که خون وطنداران خود را در پای بیگانگان می ریزد، مردنی و ننگ ابدی را با خود بردنیست در حالیکه مردمان کشور و میهن ماندنی اند و آیندگان بدون شک با آزادی کشور به آبادانی آن، منجمله به عمران بدخشان می پردازند. لهذا لازم دیدم در این رساله در قدم اول به اوضاع طبیعی، عوامل اقتصادی و احوال اجتماعی بدخشان تماس کوتاه گرفته، آنگاه امکانات انکشاف این سرزمین را در چند بخش محدود مانند زراعت و آبیاری، منابع آب و انرژی، معادن فلزی و بلورات کریمه، مواصلات و توریسم به صورت بسیار مختصر مورد مذاقه قرار دهم. ضمن این نوشته واضح خواهد گشت که بدخشان امکانات فراوان رشد اقتصادی دارد. در پایان این رساله دریغ می آید اگر چند سطری در مورد صیانت از محیط زیبای زیست آن ولایت ننویسم. همچنان همبینه که معلومات و اعداد و ارقام بدستم رسید، در باره مشکلات آب نوشیدنی فیض آباد و راه های حل آن در مضمون جداگانه ای در آینده خواهم نوشت. امیدوارم صاحب نظران، رساله حاضر را که کم و کاست های فراوان دارد، تکمیل نموده، اینجانب را خشنود گردانند. از اینکه تلفظ نام عده ای از محلات برایم نا آشنا بود، احتمال بسیار می رود که در املائی بعضی از آنها اشتباه صورت گرفته باشد. از این رهگذر از خوانندگان ارجمند از قبل معذرت می خواهم.

بخش اول

اوضاع طبیعی و اجتماعی بدخشان

۱ - اوضاع طبیعی و امکانات اقتصادی :

بدخشان در شمالشرق افغانستان افتیده که از طرف شمال با تاجکستان، از طرف شرق با پاکستان و از طریق دهلیز واخان با چین همسرحد میباشد. در جنوب بدخشان ولایات کنر، لغمان و پروان و در غرب آن تخار قرار دارد. سرحد طبیعی بدخشان را در شمال این ولایت دریای آمو می سازد. هندوکش نواحی جنوبی و دامنه های قراقرم بخش های شرقی این ولایت را محدود می کنند. قسمت اعظم بدخشان در دامان هندوکش شرقی قرار گرفته که من حیث شاخه ای از سلسله قراقرم جدا گردیده از بلندی های پامیر، واخان و چترال از سمت شمالشرق به طرف جنوبغرب میلان پیدا می کند. در حوالی کران و منجان و حضرت سعید، کوه خواجه محمد از کوهستان هندوکش جدا شده و از جنوب رو به طرف شمال می رود. رود خانه کوچکه بین بهارک و فیض آباد در فاصله چندین کیلو متر کوه خواجه محمد را عمیقاً قطع و تنگی طولانی در آن بوجود آورده است. ارتفاع هندوکش از نواحی جنوبشرق بدخشان به سمت شمالغرب آن کم شده می رود، چنانکه از ارتفاعات بیشتر از ۷۰۰۰ متر در نواحی جنوبی واخان و ۶۰۰۰ متر در منطقه کران و منجان (مقایسه: کابل از سطح بحر ۱۷۶۰ متر ارتفاع دارد) به ارتفاع تقریباً ۲۰۰۰ متر در منطقه کشم و کمتر از ۵۰۰ متر در اطراف رودخانه آمو فروکاست می کند و یک قدرت عظیم برای استحصال نیروی برق آبی را به وجود آورده است. بلندترین قلل هندوکش تراجمیر (۷۷۰۸ متر از سطح بحر) و نوشاک (۷۴۸۵ متر از سطح بحر) است که اولی در پاکستان و اخیرالذکر در بدخشان قرار دارد. قلل پر شماری با ارتفاعات بیشتر از ۵۰۰۰ متر از سطح بحر در مناطق مختلف بدخشان مخصوصاً در هندوکش شرقی سر به فلک می ساینند (تصاویر ۱ و ۲).

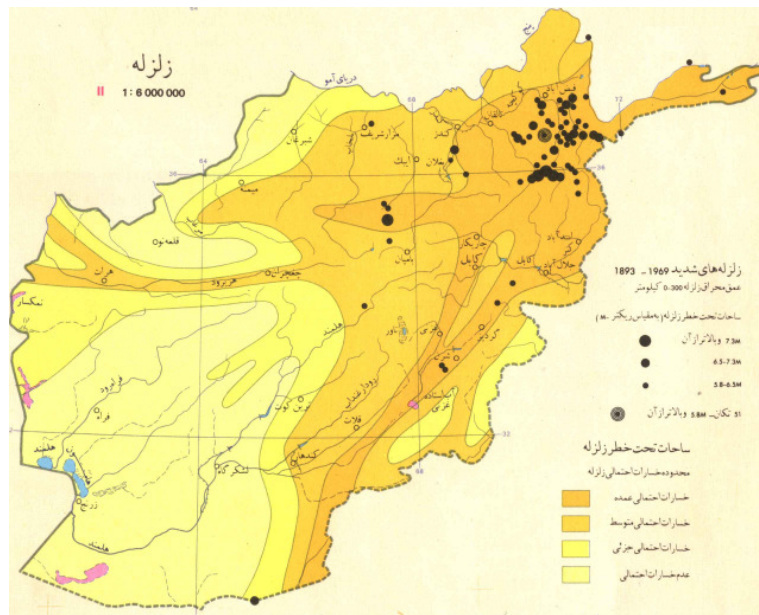


تصویر ۲: مناطق یخچالهای دایمی در جنوب واخان در نواحی سرحد افغانستان و پاکستان.



تصویر ۱: دره پارسان در پامیر در نواحی سرحد افغانستان و تاجکستان [۱].

دهلیز واخان که از شرق تا غرب حدود ۲۰۰ کیلومتر طول و از شمال تا جنوب بین ۲۰ تا ۶۰ کیلومتر عرض دارد، از شاهکار های طبیعی به شمار می رود که در شرق بدخشان موقعیت داشته و یک ساحه ۱۰۳۰۰ کیلو متر مربع را که تقریباً یک چهارم وسعت بدخشان می شود، احتواء می کند. پامیر که در زبان باشندگان آن به معنی "دره فراخ و باز" است در یک سطح مرتفع قرار گرفته و مناطق فرو افتاده آن از ترسبات بزرگدانه کوه های اطراف این دره ها پر شده است. از نظر ساختار های زمین شناسی بدخشان در محل تلاقی شکستگی های بزرگی قرار گرفته. یکی از این شکستگی ها که از هرات و غرjestان و شمال کابل می گذرد، تا منجان و زیباک و پامیر می رسد. شکستگی های بزرگ دیگری که از پامیر می آیند و به استقامت های زیباک، خواهان، شغنان، چوید، لارون، بدخشان مرکزی، خیوند، جوگانی و تاش کپرک می رسند، در بدخشان مرکزی با هم تلاقی می کنند. این شکستگی ها که حرکات افقی و عمودی دارند، به ساحه مربوط می شوند که بین سلسله های تیانشان در تاجکستان و هندوکش و پامیر که از مناطق شدید زلزله خیز محسوب می گردند، قرار گرفته است (نقشه ۱).



نقشه ۱: مناطق زلزله خیز افغانستان که بیشتر در بدخشان تمرکز یافته (یک).

مرکز این زلزله ها تا اعماق بیشتر از ۷۰ کیلو متر می رسند. قرار تحقیقات جدید جیو فزیک و اهتزازات ساینمیک، این کتله ها هنوز هم فعال اند (یک). در مناطقی که این شکستگی ها به زوایای بزرگ تلاقی می کنند، طبقات زمین نزول کرده، باعث بوجود آمدن فرو رفتگی های کاسه مانند و دره ها گردیده اند (تصویر ۳).



تصویر ۳: عکس فضایی حوزه فرو افتاده بین بهارک و جرم با دره ها و رودخانه های کوکچه، وردوج و زردیو. رودخانه ها از اندازه اصلی شان چندین برابر کلانتر رسم شده اند (منبع: Google Earth، ۲۰۰۸، اضافات از نگارنده).

در اثر تخریبات بعدی طبیعی با گذشت میلیونها سال احجار مختلف سلسله کوه ها توسط آب در این حوزه های فرو افتاده انتقال یافته و آنها را تا حدودی پر و سطح آنها را هموار کرده است مانند حوزه های فرو افتاده فیض آباد، ساحه فرو افتاده بین بهارک تا جرم با دشت فراخ (تصویر ۳)، حوزه فرو افتاده "حضرت سید"، راغ، دشت پهن در غرب دریای شیوه، دشت ایش در شمالغرب فیض آباد و غیره. همچنین در اثر حرکات این شکستگی ها و انتکالات طبیعی ساختارهایی مانند دره کوکچه، دره ارگو، دره شیوه، چاوش دره با دو آب یفتل، سُم دره، پلنگ دره، دیو دره، سر دره، قاص دره، سفید دره، شاخ دره، خاش دره، دره زردیو، دره انجمن، دره کورخو، و صد ها دره مقبول دیگر بوجود آمده که زمینه های رشد اقتصادی و امرار زندگانی را مساعد کرده و بر زیباییهای طبیعی بدخشان افزوده اند.

کوهستان های بدخشان از احجار مختلفی چون مگماتیت ها مانند گرانیت ها (سنگ خارا)، کوارتس ها، گرانولیت ها، گنایز ها، امفیبولیت ها، کانگلو میرات ها، آهک سنگها، دولومیت ها، سلیت ها، مرمر ها، ریگ سنگهای و غیره تشکیل یافته که در دوره های مختلف ساخته شده و تحولات متعددی را از سر گذشته اند. ضخامت بعضی از این طبقات مثلاً در قسمت های فوقانی دریای کوکچه تا ده هزار متر میرسد [۲]. به دلیل ساختارهای جیولوجیک بدخشان، مخصوصاً شکستگی ها، احجار آتشین چون گرانیت ها از اعماق زمین بداخل این شکستگی ها صعود کرده به نزدیکی

های سطح زمین رسیده اند [۳]. در بعضی از مناطق بدخشان طبقاتی که این احجار گرانیتی را پوشانده اند با گذشت میلیون‌ها سال تخریب و از آنجا ها توسط آب انتقال یافته اند. در نتیجه عده ای از این احجار گرانیتی عریان گردیده اند مثلاً در نواحی درواز و یفتل. در زمان صعود، این کتله های آتشین که هزاران درجه حرارت داشتند با آبهای زیر زمینی تعامل کرده که در نتیجه مقدار معتدلی از فلزات، نیمه فلزات و غیر فلزات را در خود حل نموده اند. این محلولات سر انجام در درز ها و شکستگی های احجار مجاور نفوذ کرده و همدرانجاها باعث تبلور منرالها منجمله منرال های معدنی گردیده اند. بدخشان از معادن فلزی و غیر فلزی و بلورات کریمه غنی می باشد که در بخش بررسی امکانات انکشاف اقتصادی مورد بحث قرار می گیرند.

در عصر یخچالی مناطق وسیعی از بدخشان تحت کتله های عظیم یخچال ها قرار گرفته بودند که بقایای آن هنوز وجود دارد. ترسبات دوره های یخچالی در حوزه فرو افتاده بهارک، دره وردوج و در اطراف منطقه زیباک و دره و جهیل شیوا و واخان تثبیت گردیده است [۳]. در دوره های یخچالی حوزه های برفگیر دایمی تا ارتفاعات ۱۴۰۰ متر از سطح بحر پایین آمده بودند. در حالی که این سرحد امروز در ارتفاعات بیشتر از ۴۸۰۰ متر از سطح بحر خود را بالا کشیده اند [۳].

از نظر ساختار های طبیعی بدخشان به سه بخش تقسیم می شود یعنی مناطق کوهستانی، سطوح مرتفع و دره ها. این ساختارهای طبیعی بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی تأثیر فراوان دارند، که در فصول بعدی به آنها تماس گرفته میشود. از اینکه تفاوت در ارتفاع مناطق مذکور زیاد است، لذا اوضاع اقلیمی بدخشان از یک منطقه تا منطقه دیگر بسیار فرق می کند. به صورت عموم بخش های شرق بدخشان سرد و نواحی غرب آن معتدل و یا گرم است. قراریکه اعداد و ارقام اقلیمی که از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۱ ثبت شده اند، نشان می دهند که حد اوسط حرارت در ماه جنوری حدود صفر درجه سانتی گراد و در جولای ۲۷ درجه سانتی گراد بود [۳]. حد اوسط حرارت سالانه در فیض آباد حدود ۱۳ درجه سانتی گراد محاسبه شده (یک). درجه حرارت در بعضی از مناطق بدخشان، بخصوص در مناطق شرق بدخشان تا منفی ۲۰ درجه سانتی گراد نزول می کند و در قله بلند درواز و پامیر بین ۹ تا ۱۲ ماه تحت صفر قرار می داشته باشد. بلند ترین درجه حرارت در مناطق غربی بدخشان بین ۲۵ تا ۳۰ درجه سانتی گراد میرسد. دره کشم منجمله مناطق مشهد، تشخان، فرسخ و کولاغ گرمترین مناطق بدخشان اند.

مقدار بارندگی در قله بلند کوهستان بدخشان بین ۸۰۰ و حتی ۱۰۰۰ ملی متر در سال نوسان می کند. در فیض آباد حد اوسط بارندگی ۴۹۳ ملی متر در سال است. فشار هوا و باد در تابستانها در بدخشان بین ۹۹۸ تا ۱۰۰۰ هکتو پاسکال بالا میرود. نواحی جنوبی بدخشان مخصوصاً نواحی جنوبی واخان از یخچال های دایمی پوشیده است (تصویر ۲). در مجموع اقلیم بدخشان اقلیم "نیمه صحرایی سرد" می باشد. آن مناطق بدخشان که دارای ارتفاعات بیشتر از ۲۴۰۰ متر از سطح بحر است، زمستان آن طویل و بعضاً تا مدت شش ماه دوام می نماید. تابستان مناطقی که بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ متر از سطح بحر ارتفاع دارند نسبتاً سرد بوده و شبها در همچو مناطق آب را یخ می زند. ساحات پائین تر دارای اقلیم معتدل می باشند. خزان در بدخشان با روز های گرم و شب های سرد، آسمان صاف و هوای خشک شروع شده، آهسته آهسته ابرآلود و بارانی و سرد میشود تا اینکه در همین فصل در ارتفاعات بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ متر از سطح بحر باریدن برف شروع می شود. باد های منطقه یی با سرعت ۲ تا ۴ متر در ثانیه معمولاً از سمت شمالغرب و یا از جانب شرق می وزند، در حالی که باد های محلی در جریان روز از دامنه ها و دره ها رو به بالا و در اثنای شب رو به پایین میوزند.

آب های رویزمینی بدخشان که منابع آنها در بلندیهای کوهستانها قرار دارند، بسیار وسیع بوده و امکانات خوب اقتصادی را بوجود آورده اند. کوه هزار چشمه چنانکه از نامش پیداست، چشمه ساران فراوان داشته و کول یا آب ایستاده شیوه در همین کوهستان قرار دارد. سطح آب رودخانه ها در جریان سال تفاوت زیاد را نشان می دهند. در تابستانها آب رودخانه ها بر اثر ذوب شدن برفهای سلسله کوه ها طغیان می کند. همچنانکه در موسم بارانی در فصل بهار تا یک مدت کوتاهی از اثر باریدن باران به خروش می آید. مهمترین رودخانه های بدخشان عبارتند از دریا های پنج و کوکچه با معاونین شان مانند واخان، شیوه، درواز، دراج، راغ، کشم، انجمن، کران و منجان، وردوج، زرد دیو، گورخو و غیره. این معاونین خود از وصلت جویبار های متعددی میان آمده اند، بگونه مثال دریای شیوه از فیض آبهای پیلو، توری دره، دلبرز، شیخ دره، کلاوه، خونی، گوتستان و غیره سر به مستی می زند. به همین گونه تنها در واخان بیشتر از ۱۰۰ رودخانه خرد و بزرگ در خروش و در غوغایند. در خصوص آبهای زیر زمینی بدخشان تحقیقات ناچیزی صورت گرفته، ولی چنانکه از ساختارهای جیولوجیک آن پیداست، در دره ها و حوزه های فرور افتاده کوهستانها آب کافی زیر زمینی باید وجود داشته باشد.

ولایت بدخشان جهیل های زیبای خرد و بزرگ زیاد دارد که در مناطق کوهستانی قرار دارند و میتوانند مورد استفاده اقتصادی قرار بگیرند و معمولاً منشأ یخچالی داشته و دارای آبهای دایمی می باشند. این آبها برای توالد و تکثیر پرندگان محل و استراحتگاه پرندگان کوچی بسیار مهم اند. جهیل زریقول (زرکول، سرکول، فکتوریا) که در ارتفاع ۴۱۲۹ متر از سطح بحر در منطقه پامیر قرار دارد، به طول تخمینی ۱۸ کیلومتر سرحد بین افغانستان و تاجکستان را می سازد. کول چقمقتین در شرق واخان در پامیر خرد و جنوب شرق زریقول در مجاورت همدیگر افتیده اند که شاخه های از رودخانه پنج از بین این دو جهیل می گذرند. همچنین جهیل شیوا و حوض بدری جمال در شرق بدخشان و آب های

انجمن در جنوب این ولایت قرار دارند. علاوه بر این آبهای ایستاده کوچکتری در کوهستان های بدخشان موجود است، مانند آب ابیار در دره ابیار بین کوه غاز و کوه بندکان در شمال دره سخی، جهیل فراس توسی در منجان و آب راست دره در شمال کوتل دو راه، حوض دو راه یا جهیل دوفرین در دره وردوج، حوض شاه در شمال راغ و غیره که از مناطق یخچالی منبع میگیرند. در کوه های کیدور، بندکان، منجان، پامیر، واخان (مانند مندرس، کشنیخان، اوار، لخش، ورک، قلات، جرف، چپ کول) درواز و غیره صد ها قطعه یخچال دایمی وجود دارد.

هر چند اقلیم سرد عصر یخچالی کوهستانهای بدخشان را در عملیات فزیکتی بر مبنای انبساط و انقباض تخریب کرده ولی نسبت اوضاع سرد اقلیمی که مانع انکشاف حیات نباتی و حیوانی میگردد، در بدخشان خاک های حاصلخیز کمتر به وجود آمده اند. عده ای از خاک های بدخشان که خاکهای این دوره یخبندان اند از املاح معدنی عاری اند. از اینرو نوعیت خاک های بدخشان در ارتفاعات بلند خاک های دشتی و چمنی بوده کمتر قابل استفاده اند (تصویر ۴). در ارتفاعات بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر از سطح بحر، در بخش های وسیع غرب بدخشان خاک های حاصلخیز بوجود آمده که دامن آنها تا دامنه های کوهستان خواجه محمد کشیده می شود. این خاکها که از گل لوس (رُس) ساخته شده اند، ضخامت شان تا ۳۰ متر می رسد و تا نواحی کشم، راغ، رستاق، شهر بزرگ و فیض آباد ادامه می یابند و ارزش اقتصادی بسیار دارند. دره های کوهستانهای بلند مانند روشن، شغنان، غاران، اشکاشم، واخان، زیباک، کران و منجان که در زبان باشندگان مناطق پایین افتاده غرب بدخشان به نام "هفت کوه بندی" یاد می گردد، محیط خاص طبیعی و مسکونی را می سازند که بسیار جالب است. در بلندیهای پیوست این دره ها تا ارتفاعات ۴۰۰۰ متر از سطح بحر، قطعات زیادی از چمنزار های مرطوب بوجود آمده که چراگاههای پر فیضی را بار آورده اند. در اطراف و نواحی و بستر رودخانه پنج، آمو و کوچه (تصویر ۵) احجار باریکدانه ای ترسب کرده که موجودیت خاکهای نسبتاً خوب قابلیت استفاده زراعتی را دارند، لذا در آنها چمنزار ها، نیزارها و جنگلزار های محدودی رویده اند (تصاویر ۴ و ۵).



تصویر ۴ : خاک های جغلدار در منطقه کوتل بروغیل در واخان **تصویر ۵ :** خاک های زراعتی دره کوچه در غرب فیض آباد. تصویر از نگارنده، تابستان ۲۰۰۵.

[۱]

با وجود آنکه در بدخشان در خزان و زمستان بارندگی قابل ملاحظه ای صورت میگیرد، لکن سردی زمستانهای طولی و خشکی تابستانها باعث آن گردیده که جنگلزار های بهم پیوسته در این ولایت بمیان نیایند. تنها در امتداد سواحل آمو از مناطق غرب بدخشان تا نواحی امام صاحب در کندز، جنگل توغی به طول تقریبی صد کیلو متر و عرض یک تا ده کیلو متر بوجود آمده که از درختان بید، گز و غیره ترکیب یافته. لکن در این اواخر این جنگل ها نیز مانند سایر ثروت های عامه مورد دستبرد و چپاول قدرتمندان و جنگسالارانی قرار گرفته است که از حمایت متجاوزان خارجی برخوردارند. مناطق دگری مانند حوزه فروافتاده بهارک (بهارستان) که در ۲۵ کیلومتری جنوبشرق فیض آباد قرار دارد با دره پیوست آن زردیو (تنها این دره امکانات زندگانی را علاوه بر بهارک برای قرای خیرآباد، ملنگ آب، ونج، غزالیو، پرخو، بیاب، مدرسه، ازوان، مزار، بوخچف، لروازه و غیره مساعد گردانیده است، تصویر ۳)، مناطق وسطی دو طرفه دریای شیوه، ساحه بین خاش تا منطقه دره خاش به شمول مناطق شهران، مناطق وسیعی بین چاوش دره تا فیض آباد و چاوش دره تا نواحی شهر بزرگ و تا جایی هم دو طرفه سواحل کوچه در مناطق غرب بدخشان دارای خاکهای خوب قابل زراعت اند که نقش مؤثر در امر تولیدات مواد غذایی ایفاء می کنند. به طور مثال دره زیبای ارگو در جنوبغرب فیض آباد با طول ۲۴ کیلو متر و عرض ۱۳ کیلو متر دارای خاک های حاصلخیز بوده و منابع قابل ملاحظه حبوبات، چوب، آب و چراگاه های پر فیض دارند که همه ارزش اقتصادی را دارا می باشند.

همچنین در شيله های کوهستانهای بدخشان چمنزار ها و چراگاههایی فراوان وجود دارد که در تابستانها مالداران در آنجا ها به بیلاق میروند مانند چراگاه های واخان، شیوا، کران و منجان، انجمن و غیره. در ارتفاعات بیشتر از ۳۰۰۰ متر از سطح بحر اراضی صحرايي و نیمه صحرايي بوجود آمده اند که در همچو اراضی بته های کوهی همراه با گیاهان اروشیه و ارتمیزیا، شیرین بویه، نباتات طبی و نباتات علوفی می رویند و در تابستانها خشک می شوند. در

تشیب دامنه ها نباتاتی مثل خنجک، چوب خار، سرو کوهی، گز، دولانه و اقسام بته ها منجمله گلاب وحشی، بربرس و غیره می رویند. در بین دره ها علاوه بر انواع حبوبات و علوفه، تربوز و خربوزه، درختان مثمر و غیر مثمر تربیه میشوند. دهلیز واخان با سطح مرتفع پامیر علاوه بر معادن، دارای منابع عظیم آب و انرژی بوده، چراگاههای وسیع و مزارع سبز و شاداب دارد که از نظر اقتصادی مهم اند (تصاویر ۶ و ۷).



تصویر ۷: حاصلات گندم در قاضی ده پامیر [۱].



تصویر ۶: چراگاه در دره دهخان پامیر [۱].

مارکو پولو سیاح ایتالیایی که در سال ۱۲۷۳ از پامیر دیدن کرده بود، نوشته که: "پامیر بهترین چراگاه جهان است که در آنجا یک حیوان لاغر در ظرف ده روز فربه می شود." همچنان یک دانشمند اتریشی که در بدخشان زیاد کار کرده [۴] معتقد است که پامیر بخاطر فرهنگ بزرگی که در آنجا دست ناخورده باقی مانده، بسیار دلچسپ است. در مورد پامیر و دهلیز واخان در بخش منابع طبیعی این رساله به تفصیل صحبت می شود.

زراعت و مالداری بدخشان بیشتر از همه در دره ها و در نواحی غربی این ولایت، جایکه خاک های حاصلخیز وجود دارد، صورت می گیرد. در بدخشان غیر از حیوانات اهلی چون گوسفند، بز، گاو، خر، اسب، یابو، اشتر بالخاصه اشتر بخدی یا بختی یا باختری که به ندرت یافت می شود، غزگاو و حیوانات وحشی چون گرگ، پلنگ برفی، روباه برفی (پوست این حیوان در مقایسه با کشور های همسایه در بدخشان سیاه رنگ است که به زیبایی آن افزوده [۴])، بز کوهی، آهو مخصوصاً آهوی مارکوپولو که در زبان های محلی به نام گوز یا گوزن یاد می گردد، نیز وجود دارد که شاخ های آنها تا ۱۸۰ سانتی متر [۴] رشد می کند (تصاویر ۸ و ۹).



تصویر ۹: آهوی مارکوپولو در پامیر تاجکستان [۵].



تصویر ۸: آهوان مقبول مارکوپولو در پامیر افغانی [۵].

اسب بدخشی که قامت متوسط دارد، قوی می باشد، منجمله اسب پامیری از شهرت خوب برخوردار است. همچنین پرندگان کمیاب و حشرات نادره، بخصوص شبیره های بزرگ و مقبول و پر خط و خال و خوشرنگ پرنسیوس در بدخشان پیدا می شوند.

در فصل های آینده روی هر یک از موضوعات ذکر شده به صورت جداگانه ولی مختصر صحبت می شود. قبل از همه در بخش بعدی در باره اوضاع اجتماعی بدخشان مطالبی خدمت خوانندگان ارجمند ارائه می گردد.

۲- ماخذها

۱.۲- منابع دری

یک : جیوکارٹ : اٹلس جمہوری دیموکراتیک افغانستان. ادارہ سروی و کارتوگرافی پولند با همکاری ریاست
کارتوگرافی افغانستان، ۱۹۸۴، وارسا.

۲.۲ - منابع انگلیسی و المانی

- [۱] UNEP (۲۰۰۳): Afghanistan, Post-Conflict Environmental Assessment. United Nations Environmental Programme. Switzerland.
- [۲] Wohlfart, R. & Wittekindt, H. (۱۹۸۰): Geologie von Afghanistan – Beiträge zur Regionalen Geologie der Erde. Gebrüder Borntraeger, Berlin, ۵۰۰ S.
- [۳] Desio, Ardito (۱۹۷۵): Geology of Central Badakhshan (North-East Afghanistan) and Surrounding Countries. Italian Expedition to the Karakorum (K^۲) and Hindu Kush. Scientific Reports. E. J. Brill – Leiden.
- [۴] Adamec, Ludwig, W. (۱۹۷۲): Badakhshan Province and Northeastern Afghanistan. Akademische Druck- und Verlagsanstalt, Graz, Austria.
- [۵] <http://images.google.de/images?q=Marco+Polo+sheep&hl=de&client=firefox-a&rls=org.mozilla:de:official&hs=۳۰۵&um=۱&ie=UTF-8&sa=X&oi=images&ct=title>

پایان قسمت اول